

راه عیسی مسیح

<p>این متن، نسخه مختصر ویژه‌ای (گلچین) به زبان فارسی می‌باشد</p> <p><u>مسیح و اسلام</u></p> <p><u>دین بعنوان پیوند مجدد انسان با آفریدگار – در راه مسیح</u></p> <p><u>مبانی ارزشهای اخلاقی</u></p> <p><u>دیدگاه‌های عمومی مسیحیان در خصوص مسائل اجتماعی و اقتصادی</u></p> <p><u>علوم (طبیعی) و اعتقاد به پروردگار.</u></p> <p><u>اطلاعات: دین زرتشت (مذهب پارسی)</u></p> <p>ما هم‌اکنون متون جامع‌تری در مورد مراحل مورد ذکر چهار کتاب مقدس و قسمت مکاشفه و دیگر مباحث * به چندین زبان ارائه می‌دهیم. بعنوان مثال می‌توان به سایت انگلیسی زبان اشاره نمود که بطور مکرر مورد بروزرسانی قرار می‌گیرد.</p>		<p>عیسی مسیح، روحانیت و زمین :</p> <p>راه عیسی مسیح، ایفای نقش وی جهت هوشیاری انسان و تغییرات بشر و زمین: یک صفحه اطلاعاتی مستقل با دیدگاه‌های جدیدی از جوانب تحقیقاتی و تجربی متعدد؛ به همراه پندهای مفیدی جهت رشد فردی</p>
---	---	---

در حال مشاهده صفحه اصلی سایت هستید
<http://www.ways-of-christ.com/fa>

* متون اصلی مورد ذکر به زبانهای دیگر شامل فصول زیر می‌باشند: در بخش 1 مقدمه ای بر هدف و کاربرد این متن، با پندهای متدیستی شامل عبادت تعمقی (meditation)؛ «در ازل، کلمه (عبارت یونانی logos وجود داشت ... و کلمه خدا، انسان شد»؛ میسح اهل ناصره: تولد وی؛ با یک صفحه اضافه در خصوص تولد مجدد مسیحیان؛ آیا سالهای جوانی مسیح محتوای پراهمیتی دارد؟؛ اشاره ای جانبی به نژاد «دو مسیح – پسرها»؛ تعمید رود اردن توسط یوحنا تعمیددهنده؛ با یک صفحه اضافه همراه با یادداشتهایی در خصوص تعمید در عصر حاضر؛ سکوت در کویر؛ وسوسه ها؛ عروسی در کنا (Kana)؛ (نقطه نظرانی در خصوص مسائل جنسی، همدردی، یکدلی و عشق)؛ «اشتیاق الهی» (و نقطه نظرانی در خصوص عواطف)؛ و عظ صعودی و نقطه نظرانی ذهنی؛ دگر سیمایی مسیح بر کوه تابور؛ مسئله «معجزات» و بازگرداندن ایلعازر از مرگ؛ «گوسفندان»؛ «پاشویی» مسیح؛ پاشیدن عطر توسط مریم بیت عنیا بر مسیح – نکته ای مهم در عالم روحانی مسیحیت؛ شام آخر؛ بازداشت و شلاق زنی؛ تاجگذاری با خار و آخرین سخنرانی ها؛ صلیب کشی و دفن (با نقطه نظرانی عرفانی مسیحی)؛ مسئله خالی بودن قبر، «نزول به جهنم» و «صعود به بهشت»؛ «قیامت»؛ «صعود» مسیح؛ واقعه Whitsun (پنطیکاست)؛ رجوع به تصویر مسیح؛ در بخش 2 افشای یوحنا؛ تفسیر پیش گویی ها؛ محتوای افشانیات یوحنا: هفت کلیسا؛ با یک صفحه اضافه در مورد کلیساهای عصر حاضر، تفاوت‌های آنان و راه اتحاد مسیحیت؛ «هفت مهر»؛ «هفت شیپور»؛ «هفت رعد» و دو پیامبر؛ زن و اژدها؛ «حیوان هفت سر» دریایی؛ «حیوان ده شاخ» زمین؛ «هفت جام خشم و ختم «بابل»؛ «1000 سال صلح» حقیقی؛ بهشت نو، زمین نو و «اورشلیم نو: فصل آخر: رفتار مسیحیان؛ جدول: رفتار مسیحی: در این جهان، ولی نه متعلق به این جهان؛ اشاره به کیفیت نمایشی، به یک نسخه چاپی به زبان آلمانی، و امتیازات آن؛ از طریق پست الکترونیک 3. دیگر موضوعات: دعا؛ مبانی ارزش های اخلاقی؛ تصحیح تئوری های مدرن مسیح؛ عیسی مسیح، تغذیه انسان و حمایت از حیوانات؛ علوم و باور به خدا؛ عیسی مسیح و شفا – حتی امروز؛ برکات؛ نقطه نظرانی مسیحیت برای اقتصاد و مسائل اجتماعی؛ نقطه نظرانی مسیحیت برای جامعه و سیاست؛ مذهب و فلسفه: نظرانی درباره سخنرانی هابرماس؛ بوم شناسی؛ حیات متولد نشده؛ این صفحات و مکات مختلف الهیات مسیحیت؛ عبادت تعمقی مسیحی؛ الهامات و کلیساهای مسئله زندگی پس مرگ و پی آمدهای آن برای زندگی پیش از مرگ؛ مسیحیت – رابطه آن با دیگر تعالیم درباره «سرنوشت» و «تناسخ»؛ 4. ... عهد عتیق و کمک به گفتگو با دیگر ادیان: عهد عتیق، مذهب یهود و عیسی مسیح؛ «عیسی مسیح و اسلام»؛ مذهب زرتشت (پارسیسم)؛ «بودیسم»؛ «هندوئیسم»؛ «تائوئیسم، کنفوسیوس»؛ «شینتوئیسم و مذاهب طبیعی؛ مذهب به عنوان پیوند دوباره انسان با خدا.

[\(مسیح و دین زرتشت\) in english](#)

[مهر](#)

[انجیل](#)

اطلاعات: عیسی مسیح و اسلام

گفتگوی میان ادیان

این صفحه در واقع به منظور کمک به درک بهتر و نیز کمک به گفتگوی بین ادیان اضافه شده است، این گفتگو از سال ها پیش آغاز شده است. این یادداشت ها تلاشی برای ترسیم چهره کلی اسلام نیست. در اسلام مکاتب گوناگونی وجود دارد.

قرآن و سایر "ادیان صاحب کتاب"

اسلام به معنای "تسلیم در برابر اراده خداوند" است. عقیده بر این است که قرآن، کتاب مقدس مسلمانان، منشاء وحی الهی دارد و توسط فرشته ای به نام جبرئیل، که اغلب به "جبرئیل مقرب" نیز معروف است (در مسیحیت نیز به همین نام شناخته شده است) به پیامبر اسلام، محمد، فرستاده شده است. بی تردید قرآن مهم ترین کتاب مقدس در اسلام است.

سنت های دیگر (سنه، در لغت به معنی "رسم" است) همراه با گفته ها/روایات پیامبر (احادیث) در واقع نقش تفسیری و تکمیلی قرآن را دارند. حتی پیامبر نیز در رفتار شخصی خود یک انسان است نه خدا. نباید از نظر دور داشت که مسلمانان بسیاری هستند که به خوبی با کتاب مقدس خود آشنایی ندارند، همان طور که مسیحیانی نیز وجود دارند که مطلب زیادی از انجیل نمی دانند.

گاهی اوقات قرآن مسیحیان و یهودیان را مستقیماً با عنوان "ای اهل کتاب..." (یعنی ای کسانی که صاحب کتاب آسمانی هستید، مانند سوره 4 ، آیه 171*) و نیز "بنی اسرائیل" مورد خطاب قرار می دهد. بنابراین، احتمالاً به آنچه در این کتاب مقدس نوشته شده است، علاقمندند، اگرچه اکثر آنان معمولاً سر و کاری با آن ندارند. علم ادیان اما کتاب های مقدس هم ادیان را مطالعه و بررسی می کند، و به غور در تفاسیر و دیگر مسائل آنها می پردازد. در هر حال، باید کتاب های مقدس را با احترام مطالعه نمود. برخی از مفسران قرآن را عقیده بر آن است که قرآن اولیه نزد خداوند است و در محلی امن از آن نگهداری می شود، محلی که تنها در دسترس فرشتگان خالص و پیامبران است؛ برخی دیگر از مفسران عقیده دارند که خواننده قرآن باید مومن و خالص باشد.

در مکتب اسلام به پیامبر به عنوان فرستاده خدا در زمانی (یا در خلال همان زمانی) که مردم به آن نیاز دارند، نگریسته می شود (سوره 5، آیه 19). قرآن "مومنان" را از نظر تعالیم محمد رسول به دو دسته "مومنان به کتاب" و "کافران" تقسیم می کند. "مومنان به کتاب" به ویژه یهود و نصارا و نیز مسلمانان، کسانی هستند که اعتقادات شان بر اساس سنت های یکسانی قرار دارد؛ قرآن گاه زرتشتیان (پارسیان، سوره 22، آیه 17) را نیز جزو اهل کتاب می داند. قرآن سلسله پیامبرانی را که خداوند یکتا، اعتقاد به معاد، و نماز را برای مردم خود با زمان خود تبلیغ می کند، تأیید می نماید (مثلاً، سوره 6، آیات 83 - 92؛ و سوره 7 قرآن؛ سوره 4، آیه 136). تا جایی که اهل این مذاهب به مسائل اساسی دوجانبه اعتقاد دارند، خود قرآن آنان را کافر یا بی ایمان نمی نامد (مانند، سوره 5، آیه 48). طبق تعالیم قرآن که می گوید "لا اکراه فی دین: هیچ اجباری در دین نیست" (سوره 2، آیه 256)، در قرون اولیه پیدایش اسلام، اجباری در اسلام آوردن مسیحیان و یهودیان نبود.

ابراهیم از نظر قرآن یکی از پیامبران "حنفی" است که به توحید یعنی پرستش خدای یکتا، و نوعی زهد، اعتقاد داشت.

تقریباً با اطمینان می توان گفت حتی کلمه "الله" نام اسلامی خداوند (که از کلمه عربی الجلاه در دوران پیش از اسلام می آید) از نام "الوهیم" ریشه می گیرد که یکی از نام های خداوند در کتب موسی (در زبان عبری) است.

"کافران" (در لغت به معنای "پنهان کنندگان") در معنای صریح کسانی بودند که قائل به وجود چند خدا (بت پرست) بوده و محمد در عربستان با آنان می جنگید، و انجیل نیز درباره آنان به یهودیان و مسیحیان هشدار داده است. امروزه اسلام به شکلی گسترده تر، به آنان به عنوان کافرانی می نگرد که به خدای یکتا و معاد (روز رستاخیز) اعتقاد ندارند. گاهی این اصطلاح به غلط به کلیه غیر مسلمانان، و گاه حتی به مسلمانان دیگر فرقه های اسلامی نیز تعمیم داده و اطلاق شده است.

عیسی مسیح در قرآن

در اینجا باید توجه داشت که قرآن مسیح را به عنوان پیامبر و فرستاده خدا و به عنوان کلمه الله، بدون تعریف آن، و به عنوان روح الله (روح خدا) (سوره 4، آیه 171) که "به گونه حضرت آدم ابوبشر خلق شده است" (سوره های 2، 3، 5، ...) می پذیرد. این عناوین از آنچه دین شناسان مسیحی مدرن که عیسی مسیح را یک مُصلح اجتماعی می دانند، فراتر می رود. مسیحیان زمان محمد، مسیح را فقط پسر خدا تصویر می کردند، ولی قرآن آن را در مفهوم دکترین بعدی تثلیث (سه گانه پرستی) قبول ندارد. مسیحیانی که بتوانند معنای اصلی مسیحیت را به گونه ای موثق و معتبر توضیح دهند که هر کسی با هر دیدگاهی بتواند آن را درک کند، در آن زمان بسیار معدود و نادر بودند (مثال، سوره 6، آیه 101).

در رومانس 4:1 ذکر شده است که مسیح به عنوان پسر خدا در قدرت روحی خدا "نهاده" شده، بنابراین بدنیا نیامده است. ممکن است مسیحیان با اعتقادات اسلامی موافق باشند که خدا بدنیا نمی آید و بدنیا نیامده بلکه مسیح را "خلق" کرده است. بعدها اصطلاح یونانی Logos "کلام" (که در انجیل برای منشاء الهی یا رسالت عیسی مسیح به کار رفته است) در انجیل های گوناگون به عنوان "کلمه" ترجمه شد، که در قرآن برای مسیح استفاده شده است. آیا وحی قرآنی شامل اسراری است که هنوز کاملاً توسط مسلمانان یا مسیحیان کشف نشده است؟ (که احتمالاً به دعاها و مجادلات بیهوده ای منجر شده که درباره لغات و اصطلاحات صورت گرفته است). همچنین اگرچه مسیحیان این تعالیم را که باید آن را مذهب تثلیث خواند، بیان می کنند، اما این مطالب با تعالیم خود مسیح مطابقت ندارند. "پدر (خدا) را به نام من نماز برید (اشاره به مسیح)"، انجیل، یوحنا 15:16. مسیح در زمان حیات خود گرد خدای یکتا می گشت و مردم را فقط به سوی او هدایت می نمود.

"کلمه الله" (یونان، در انجیل یوحنا "کلام خدا"، در اینجا به مسیح برمی گردد) در ترجمه آلمانی پارت از قرآن بطور مستقل به مسیح ارجاع دارد. این کلمه در دیگر ویرایش های قرآن به معنی "نظر" خدا یا "فرمان" خدا آمده است (سوره 13 آیات 2 و 11).

مسیح در قرآن "همانند آدم ابوبشر" است که از خاک آفریده شد (سوره 3، آیه 59)؛ قرآن از فرستاده ای سخن می گوید که از طرف روح

خدا فرستاده شد تا مسیح را متولد نماید (سوره 19، آیة 17 تا 22). نسخه مسیحی نیز از فرشته ای گزارش می دهد که به مریم باکره خبر داد که مسیح از روح القدس متولد می شود. سپس قرآن می گوید مسیح با روح القدس/روح مقدس تقویت شده است (سوره 5، آیة 110). طبق گفته قرآن مسیح جوان رستاخیز خود را اعلام نمود (سوره 19، آیة 33)؛ اما در اینجا احتمالاً قرآن به بازگشت مجدد مسیح در روز قیامت، همراه با رستاخیز پیروان وی اشاره دارد که اغلب در قرآن از آن سخن به میان آمده است (به مطلب بعد مراجعه شود؛ سوره 4، آیة 159). قرآن می گوید مسیح زنده و در نزد خداوند است (سوره 4، آیة 157 – 159، سوره 3، آیة 55). مسلمانان و مسیحیان در این مورد با هم اختلاف نظر دارند که آیا مسیح به صلیب کشیده شد، مُرد و پیش از عروج بر آسمان، بر مرگ غلبه نمود (طبق گفته مسیحیان)، یا خداوند او را زنده به آسمان بُرد (طبق اعتقاد مسلمانان). بهر حال، هر دو اعتقاد دارند که او در هنگام عروج به آسمان نمرده بود (مثلاً انجیل می گوید او درست پیش از رفتن به بهشت با حواریون خود صحبت کرد). در سوره 3 آیة 55 و سوره 5 آیة 48 گفته شده است "من او را خالص می گردانم" و "همه شما بسوی من باز خواهید گشت، و من (خداوند) درباره آنچه در آن با هم اختلاف دارید، قضاوت خواهم کرد". بنابراین مسیحیان و مسلمانان به جای مجادله با یکدیگر باید منتظر بمانند تا اسرار فاش و حل گردد. قرآن همچنین حاوی روز بازخواست و رستاخیز مومنان است (مثلاً در سوره 36، آیة 77 – 83، سوره 69، آیة 13 – 37، سوره های 75 و 99). مسیح باز خواهد گشت و شاهد یا داور بر کار پیروان کتاب های مقدس خواهد بود (سوره 4، آیة 159؛ مقایسه شود با سوره 16، آیة 89). آنانی که به خدا و روز معاد ایمان دارند (حتی غیر مسلمانان)، و "کارهای نیک انجام می دهند"، نباید از روز قیامت هراسی به دل راه دهند (سوره 2، آیة 62؛ سوره 4، آیة 123 – 124؛ سوره 7، آیة 170). طبق گفته های قرآن و نیز انجیل، قضاوت نهایی با خداست نه با انسان ها، فرقی نمی کند که مسیحی باشند یا مسلمان یا یهود. (چنین مقایسه هایی بین مذاهب به معنای آن نیست که به استقلال قرآن شکی و رخنه ای وارد شود).

اصول اخلاقی

اصول اخلاقی این سه "دین ابراهیمی" نیز با یکدیگر ارتباطی نزدیک دارند. فرمانهایی نیز در قرآن وجود دارد ولی به همین سان فهرست وار نمی آید، مثلاً در سوره 17 آیة 22 – 39؛ سوره 5، آیة 38 – 40؛ سوره 2، آیة 188؛ سوره 4، آیة 135؛ سوره 2، آیة 195؛ و سوره 17، آیة 70 (شرافت انسان). مثلاً قرآن کشتن نفوس بی گناه را بدون هیچ استثنایی حرام می داند (سوره 5، آیة 27 – 32). اصطلاح **جهاد** فقط به معنی جنگیدن، تلاش و جنگ مقدس است و از تعالیم قرآنی استخراج نمی شود بلکه از سیره محمد و از مکتب قانون اسلامی نشأت می گیرد.*** تلاش درونی (ذهنی و اخلاقی) علیه شرارت های افراد "جهاد اکبر" نامیده می شود که از درگیری های بیرونی بسیار مهم تر است. مقایسه کنید با تعالیم مسیح که می گوید به مسئله نخست از چشم خود فرد نگاه کنید پس بسیاری از درگیری های بیرونی، اساس و اهمیت خود را از دست می دهد. "جهاد کلامی" یعنی گفتگوی صلح آمیز و بدون خشونت درباره اعتقادات و باورهاست. "جهاد با دست" نمونه و نشانه فعال و دستوری مومنان است. "جهاد با شمشیر" که "جهاد اصغر" نیز نام دارد، فقط در صورت دفاع در برابر حمله به مومنان مجاز است (مقایسه کنید با سوره 2 آیة 190 قرآن). اما "شدت ها" و خشونت هایی در برخورد با بعضی از مذاهب در قرآن به چشم می خورد (مانند سوره 48، آیة 29؛ سوره 47، آیة 4). قوانین سنتی سختگیرانه ای نیز برای ارتباط با جنس مخالف وجود دارد مانند ممنوعیت ازدواج با غیر مسلمانان.

آئین های اسلامی حاوی عباراتی نظیر "لا اله الا الله" خدایی جز خدای یکتا (الله) نیست، و "محمد رسول الله" محمد فرستاده خداست، است که در نمازهای یومیه ابراد می شوند (سوره 2، آیة 177)؛

و اینکه هر ساله در ماه رمضان روزه واجب است (سوره 2، آیة 185)؛

هر مسلمان باید دستکم یک بار در عمر خویش حج بگذارد (سوره 2، آیة 196)؛

و "زکات" یعنی اهداء بخشی از مال که برای مقاصد اجتماعی پرداخت می گردد (سوره 2، آیة 177).

امروزه در اسلام قدرت مرکزی که درباره مسائل مذهبی-اخلاقی تصمیم گیری کند وجود ندارد. اما موقعیت ها و مقام هایی که اکثریت مشخص علماء در آن سهیم هستند احتمالاً در یک مقیاس کلی مورد قبولند.

* از ترجمه آلمانی قرآن توسط رودی پارت، همراه با شماره گذاری مصری آن که در اکثر کشورهای اسلامی به آن استناد می شود، در این مقاله استفاده شده است. سایر مترجمان ممکن است شماره های متفاوتی به آیات داده باشند، بنابراین می توان مطالب نام برده شده را قبل یا بعد از شماره آیه در همان سوره یافت. معنای متون قرآنی با کمک ترجمه قرآن در آلمانی و نظرات عادل تئودور خوری که ترجمه ایشان مورد قبول مسلمانان است (مثلاً توسط انعام الله خان، که در آن زمان دبیرکل کنگره جهان اسلام بود) بررسی شده است. نظرات وی توجه خاصی به تفسیر سنتی مکاتب اسلامی دارد.

دشواریهای ترجمه زبان عربی کهن قرآن اصلاً ارتباطی با آنچه در فوق اشاره شد ندارد، و می توان آن را به روشنی درک نمود.*** همچنین "جنگهای صلیبی" قرون وسطی بر اساس دستورات انجیل صورت نگرفت بلکه اعمال و اقدامات انسانها بود، و این جنگها امروزه شهرت بدی مثلاً در میان اکثر مسیحیان اروپایی دارد.

راه عیسی مسیح

ین (1) بعنوان پیوند مجدد انسان با پروردگار – پیروی از راه عیسی مسیح

(1) ریشه لغت دین در انگلیسی (Religion) عبارت لاتین re-ligio است یعنی (re-uniting) اتحاد مجدد یا پیوند – با خدا، که عمیقاً در درون ما شکل می گیرد. چنین امری نیز در مقیاس بزرگ شکل می گیرد، شبیه به نمایش یک هلوگرام.

تشخیص مشکلات عمیق تر زندگی بشر

جهت تغییراتی فراتر از درمان جسم، اول سوال مسیح بدین شکل خواهد بود: «آیا مایل به بهبود هستی؟» (یوحنا 6، 5)؛ یا آیا می‌دانی که هنوز نقصی داری و جهت نزدیکی بیشتر به خدا، باید آن را رفع کنی؟ می‌توان رشته‌ای مشترک در مسائل ساده زندگی یافت که معمولاً به دین ارتباطی ندارد. کودک در حال رشد و طی مسیر بلوغ توانهای جدیدی بدست آورده، ولی برخی توانهای اولیه او، نظیر کسب مشتاقانه تجربیات جدید، تحت پوشش قرار می‌گیرد. بعداً می‌توان نسبت به تجدید توانهای طبیعی مذکور تلاش نمود. در این موارد، توانهای آموخته باقی مانده در حالیکه تخت شدن وجود آدمی رو به سستی رفته و پاک می‌گردد. گسستگی بین اندیشه و زندگی که سبب گسستگی بین زندگی غریزی و عقلانی است – با پل سستی در میان که در قلب قرار دارد – باری دیگر اختلاطی بهتر می‌یابند. می‌توان نشان داد که این گسستگی یکی از معانی «خوردن میوه درخت دانش» در افسانه بهشت است؛ و اینکه گفته مسیح «بدون تغییر و بازگشت به کودکی، هرگز وارد قلمرو بهشت نخواهید شد» بر پایه آگاهی عمیق از امکان تغییر و بازگشت است – متی 18، 3-1؛ مرقس 10، 15؛ لوقا 18، 17. موضوع فقط رفتار عاری از خجالت کودکان نیست، بلکه در رابطه با اصول اولیه پرورش است که الگوهای شبیه طرح اصلی»⁽²⁾ هستند – بخشی گم شده از «راهنمای انسان». این مسیر می‌تواند به مقصدهایی بارها فراتر از هوشیاری عقلانی محدود امروزه برسد.

⁽²⁾ بنابراین غلبه بر صفات منفی ("شیطانی" - "devilish") خود شامل تصحیح شکست مذکور نیز می‌باشد – (بین عقل، «قلب» و غریزه). واژه "Archetypal" (سرمشق) از روانشناسی عمیق (C. G. Jung (depth psychology) و سایرین گرفته شده است؛ الگوهای بینانی هستی بشری که به انواع و اشکال مختلف تجربه می‌شود، مثلاً در خواب



این امر بدان معنا نیست که فرد به سادگی و تنها با نیروی خود از این کار بر می‌آید. مسیح راه حقیقت را به همراه توان یا رحمت لازم جهت تسلط بر آن، پیش روی ما می‌گذارد. مسیحیان جویای حقیقت، مسیحیان اهل عرفان و کیمیاگران مسیحی راه کمال (بیشتر) خود را یافته‌اند (بعنوان مثال، مقایسه متی 5، 48؛ یوحنا 10، 34؛ ...). بسیار از مسیحیان دیگر نیز بطور آگاهانه یا ناخودآگاه تجاربی مشابه دارند؛ مهم نیست که در نفس خود گذشته، یا ایمان خود را در زندگی اجتماعی خویش بکار برده – یا هر دو روش را ترکیب کرده باشند – که به آن «مسیحیت کامل» می‌گوییم. از زمان هزاره‌ها، بسیاری از فرهنگهای مختلف دیگر نیز به دنبال راهلهایی برای آن درگیری داخلی بوده‌اند؛ بعنوان مثال کیمیاگران طریقت چینی تائو و برخی از مکاتب یوگا⁽³⁾.

⁽³⁾ لغت هندی یوگا دارای معنی تحت‌اللفظی «متصل کردن» است و به معنای طلب ارتباط مجدد با منشاء و ابدیت نیز می‌باشد. این بدان معنی نیست که مسیرهای دیگر مشابه نیز همان مقصد مسیر مسیحیت را داشته باشند.

عیسی مسیح «پروردگار-انسان»، «آدم نو» نشانی بر این میناست که از آن زمان امکان بازیافت خصوصیات اولیه نهفته شده برای انسان وجود دارد؛ و وقت آن فرا رسیده که خصوصیات گمراهی را که با گذشت زمان خطرناک شده، به راه راست هدایت کنند. برای زمین «خوش‌شانسی» بود که مسیح نماینده هر دو بود، ارتباط با مبداء اصلی معنای زندگی – پروردگار – و هوشیاری پیشرفته انسان. او بر نیروهای انحطاط غلبه کرد. با وجود تفاوت با افراد دیگر، او انسانی بود که نمونه قرار گرفت. بنابراین امکان این امر برای مردم وجود دارد، خصوصاً اگر آگاهانه باشد. ولی حتی برای آنهایی که تاریخ مسیح را نمی‌دانند، زندگی و قیام وی بی‌اثر نیست – همانند این موضوع که وقتی حیواناتی در یک جزیره چیزی را یاد می‌گیرند، حیوانات دیگر همونوع در جزیره‌های دیگر تحت تاثیر میدان نیروی مشترک خود آن را سریع‌تر فرامی‌گیرند (کشف (R. Sheldrake).

در ابتدا رابطه‌ای باطنی با مسیح و خدا بدون کمک کلیسا نیز امکان‌پذیر است؛ ولیکن وجود یک جامعه مسیحیان مناسب می‌تواند در این راستا مفید واقع شود. حکمت‌های الهی متناقض همانند نسبت دادن مسیح به یک مشاور روحانی یا فقط یک مصلح اجتماعی دیگر آخرین راه پیش روی نیست؛ ولیکن می‌تواند سبب راهنمایی به فرد شود، خصوصاً اگر وی بیش از یک مورد از این موارد را بشناسد. هر فردی می‌تواند به تنهایی و در اتاق خصوصی خویش، خود را هم‌آهنگ مسیح سازد، ولی نهایتاً این امر در عموم نیز صادق است. بدین جهت فرد می‌تواند خصوصیات وی را آنچنان که در چهار کتاب مقدس آمده، به یاد آورد. اگر فردی بپذیرد که مسیح از مرگ نجات یافته و قیام کرده، می‌تواند با او بعنوان موجودی در عصر حاضر ارتباط داشته باشد. (شهادت‌های بسیاری از قیام پس از مرگ افراد هست، که معمولاً در وضعیتی متفاوت از مسیح می‌باشد.) می‌تواند با یاد و «به نام او» دعا کرد، با شناخت او بعنوان برادر بزرگ خود در نزد پروردگار، که فرای همه چیز است. (رجوع به یوحنا 15، 16؛ متی 6، 7-15؛ متی 18، 19-20). بعنوان مثال:

پروردگارا! ای خالق، یار و امید من!

همصدا با عیسی مسیح * بابت تمام آنچه که از تو دریافت کرده‌ام تشکر می‌کنم؛

و از تو تمنا دارم، تمام آن کردار من را ببخش، که راه من به سوی تو را طولانی ساخت **؛

در این سکوت، خواهشمندم که با روح خود مرا خلاق سازی *؛**

مرا در راه خود بلند کن

(* آنکه مریم مقدس را نیز مشمول می‌دارد، قادر به این مورد است. اینگونه خصوصیات مردانه و زنانه انسان نیز قادر به صعود می‌باشد. (** علاوه بر آن می‌توان همچنین: اول هنگام درک احساسی که منفی بوده یا به نظر می‌آید، هنگام حس آن توجه کرد (بعنوان مثال، اضطراب، تنفر و عصبانیت، بی‌تفاوتی و گستاخی، شک بسیار – یا یک مشکل؛ حتی اگر تنها در ذهن یا کلام رخ داده، با متی 5، 22 مقایسه کنید). دوم بجای توقف در آن مرحله، لحظه‌ای صبر کنید تا نسبت به آن آگاهی بیشتری بیابید. سوم این مشکل را – که اکنون قادر به حس آن هستید - در دعای خود نزد پروردگار

مطرح کنید. (بیش از این، بطور مشابهی می‌توان کل زندگی خود را به دست پروردگار یا مسیح سپرد). چهارم صبر با آرامش، تا حدی آسایش خاطر حس کنید.
*** سکوت «به آنچه که رخ داده آرامش می‌دهد» و شرایط را آماده می‌سازد تا به آن رسیدگی کرده یا به دعا بپردازید. سپس مجدداً ذره‌ای پذیرش برای چیزی جدید وجود خواهد داشت.

اهمیت اخلاقیات در این راه

یک مرحله از راه «عشق به خدا» است، خدایی که والاتر از همه چیز می‌باشد، و اینکه «همسایه خود را همانند خویش دوست بدارید» (متی 19، 19). علاقه به خویش می‌تواند جزئی از تلاش جهت یافتن مراحل و امور دیگر باشد. عشق می‌تواند سبب پیوند فرد با مسیح شود، چراکه عشق به همراه خرد، ماهیت اصلی وی است. ضمناً راه کردار نیک با آثار خود سبب وضوح و روشنی راه مسیحیت می‌گردد. مسیح همان اصول قدیم اخلاق را حفظ کرد؛ چراکه (معمولاً) «هرکس هرچه بکارد، همان را درو خواهد نمود» (غلاطیه 6، 7)؛ ولی وی بر مسئولیت فرد بیش از قانون حاکم تأکید نمود. برای ما قابل تجربه است که در نفس‌مان چیزی وجود دارد – بعنوان مثال احساس ناشی از وجدان – که هماهنگ با روح کردار نمونه مسیح در طول زندگی‌اش می‌باشد. این نکته بطور فردی در دل شخص یا در روح و روان قابل حس و تجربه است. خوب است که در اوقاتی هرچه بیشتر خصوصیات شناخته شده مسیح را به درون خود آوریم؛ تا ارتباط و تماسی مستقیم مقدور شود – هرچند که در حال حاضر اثر قابل توجهی نداشته باشد.

قدرتی که از این راه با رحمت الهی در ما ایجاد می‌شود، قادر به جذب قدر شفاف‌بخش جهانی است که باز از مسیح و پروردگار «برونی» به ما نزدیک می‌شود. در اینجا حس و تجربه فردی نیز ممکن است متفاوت باشد؛ ولیکن در این مورد ممکن است اثر حاصل بر شخص و محیط شدید باشد. این تجارب که قبلاً تنها توسط برخی «عارفان» و «مقدسین» قابل حس بود، اکنون و در این زمان «تحقق مکاشفات یوحنا»، در افراد ساده قابل پخش است – ممکن است برخی ابتدا متوجه اهمیت آن نشوند، و به همین دلیل ذکر آن در اینجا لازم است. افرادی که پذیرای آن هستند این قدرت تغییر را دریافت می‌کنند؛ ولی ممکن است بطور دردناکی با حصار آنانی برخورد کند که هنوز خصوصیات کافی را جهت هماهنگی پیدا نکرده – بنابر این ممکن است برخی آن را به شکل «قضاوت» حس نمایند.

هدایتم کن، تا به دیگران در راه قربت به تو آسیبی نرسانم.

هدایتم کن تا طبق اراده تو دیگران را یاری دهم.

مرا در راهم نجات بده. *

مرا یاری بده تا به عشق تو ببیوندم.

(* ممکن است دیگران نیز شامل این مورد بشوند.

رشدی مشابه در سطحی وسیع‌تر، رشد فرهنگ‌های مختلف از زمان ماقبل تاریخ تا کنون

همانند مراحل مورد ذکر رشد کودکی تا بلوغ، فرهنگ‌های بشر نیز دوره‌های هوشیاری مشابهی را پیموده‌اند. از طرفی این موضوع سبب ایجاد توانایی‌های جدیدی (اراده، احساس و اندیشه آزادتر از پیش) شده و از سویی دیگر انس اولیه با کل «آفرینش» تقلیل یافت که عواقب غامضی را به دنبال داشت. (به عنوان مثال مقایسه *Ursprung und Gegenwart* - آلمانی -: یکی پس از دیگری هوشیاری «قدیمی»، «سحرآمیز»، «افسانه‌ای» و عقلانی؛ و رای آن ایجاد یک خرد مختلط مقدور است. موجوداتی برجسته چنین گام‌های بلندی را برای فرهنگ خود متمر ساختند. این امر علی‌رغم کلیه موانع روی داد، ولی – همانطور که ذکر شد – به توانایی‌های قبلی آسیب وارد نمود. در عصر حاضر بشر و آدمی جهت بقاء ناچار به پذیرش دشواری‌ها و برداشتن گام‌های کوتاه‌تر یا بلندتر دیگری به سوی تکامل می‌باشد.⁴ حدود 2000 سال است که این امکان وجود دارد. چنین رشدی دیگر نباید سبب تقلیل خصوصیات قبلی همانند عقل و خرد گردد. اگر خرد کلی‌نگری (holistic) هرچه بیشتر در افراد رشد کرده و آنان ارتباط خود را با مبدا الهی تجدید کنند¹، بشریت با کمک «آسمانی» قادر به پیروزی بر فجاج مورد پیش‌بینی در «مکاشفات یوحنا» خواهد شد. رابطه‌ای با فعالان اجتماعی در سراسر جهان وجود دارد که شبیه حرکت صلح‌جویی a.s.o. نیز می‌باشد – کلیه افرادی که نیت نیک دارند الزاماً در «بازی» نقشی ایفا خواهند کرد. واضح است که بسیاری از افراد – در مدارس مذهبی شناخته شده – در جستجو هستند. آنان به سوی آینده پیش رفته و جهت پشت سر گذاشتن گذشته تلاش می‌کنند – هرچند ممکن است تا حدی «میانگی» وجود داشته باشد. مهم نیست که از نظر فردی هدف «نجات» بشریت یا پیشبرد هوشیاری باشد. مقیاس معاصر ارزشها باید تغییر کند، چراکه اگر غیر از این باشد، سرانجام آن «برنامه» قبلی واضح است. همه چیز بخشی از مجموعه کلی است، و بنابر این تمام کارهای نیک به جهان هستی کمک می‌کند.

4) ما با تلقی بدبینانه (بعنوان مثال در آخرین کتاب Herbert Gruhl با عنوان "Himmelfahrt ins Nichts" که به آلمانی به معنای صعود به هیچ است) مخالفیم و می‌توان احساس فراموشی مبداء رشد و قدرت را درک کرد - و با این حال تنها یک راه وجود دارد: پروردگار.

با الهام تو، افراد تصمیم‌گیری در خصوص مرگ و زندگی را به دستان الهی تو بسپارند.*
آنهایی را که برای مخلوقات تو تلاش می‌کنند، یاری بده.
جهان را به گشایش زمان موعود خود هدایت کن.**

* در اینجا اضافه نمودن شرح و جزئیات امکان‌پذیر بوده، یا می‌تواند بطور عبادتی پس از دعا عنوان شود، مثل: «ختم ایجاد خشونت»، «حل مسائل جهت رفع یک دلیل خشونت»، «آغاز گفتگوی صلح‌آمیز بین مذاهب نیک‌خواه»، ...
** لوقا 11:2؛ 21:31. مکاشفه 11:16. پروردگار قادر به توزیع عشقی است که به وی داده شده.

بنابراین «چرخشی» به سوی پروردگار در مقیاس کوچک و در مقیاس بزرگ در شرف وقوع است

یوحنا 16، 12-13: «بسیار چیزهای دیگر دارم که بگویم، ولی افسوس که حال نمی‌توانید بفهمید. 13: ولی وقتی روح پاک خدا که سرچشمه همه پاک‌ها است بیاید، تمام حقیقت را به شما آشکار خواهد ساخت. زیرا نه از جانب خود، بلکه هرچه از من شنیده است خواهد گفت. او از آینده نیز شما را باخبر خواهد ساخت.»

راه عیسی مسیح

مبانی ارزشهای اخلاقی

عیسی مسیح بیشترین ارزش را برای آن دسته از معیارهای رفتار اخلاقی قائل شد که در نفس فرد قرار داشته، و تحت اثر فشار سنت یا قانون بیرونی نیستند. جهت دستیابی به این ارزش نمی‌توان کسی را مجبور به انجام رفتار نیک کرد، بلکه منشاء آن باید نفس شخص باشد و «عشق به خدا، به نزدیکان... همانند خود». «عشق به یکدیگر» (یوحنا 13، 34) حاکمیت وجدان واقعی در انجام اعمال را امکان‌پذیر می‌سازد. عشق به خدا شخص را قادر به حس اهداف والای پروردگار می‌نماید. اگر افراد، زوج‌ها، گروه‌ها و غیره، همه این عشق جهانی را بروز دهند، تفاوت حاصل آشکار خواهد بود. هرچه این رفتار بیشتر بین همه جا گیرد، قوانین مفصل خارجی کم‌اهمیت‌تر خواهند بود.

اما محتوا، مثلاً آنچه که در «ده فرمان» قدیم آمده، نقض نشده بلکه پذیرفته شده است. محتوای آن در معرض تغییر فرهنگی می‌باشد، ولی تنها در جزئیات، اصل و مبنای آن تغییرپذیر نیست. این موضوع در عمل نشان داده شده است، توسط موسی که ابتدا نسخه عالی فرمان‌ها را دریافت نمود، ولی بعداً تقاضای نسخه‌ای ساده‌تر برای مردم رشد نیافته خود کرد. در این حد کلی، اصول اخلاقی در مسیحیت، یهود و اسلام یکسان می‌باشد؛ و تقریباً تمام ادیان دیگر اصول مشابهی دارند، همانطور که در اینجا ذکر شده است: «صفات جهانی - بیانیه مجلس مذاهب جهانی» (رجوع به صفحه مراجع مربوطه). اخلاقیات عموماً تشویق به رفتار انسانی با دیگران می‌کند، آنطور که شخص می‌خواهد با خود وی رفتار شود؛ که به دیگران آسیب نرسانده، بلکه کمک کنیم. این امر برای «سرنوشت» / «سرانجام» شخص مهم است، چراکه «هرچه بکاریم، همان را درو می‌کنیم» (غلاطیه 6، 7؛ Kor دوم 9، 6). و سرانجام اینکه شرط اصلی شرکت فرد در عصر جدید نیز همین است، دعای پروردگار در این راستا می‌گوید: «...ملکوت تو برقرار گردد!» (متی 6)، و در وعظ بر فراز تپه گفته شد که «فروتنان مالک جهان خواهند گشت».

در معنای گسترده‌تر، نتیجه دیدگاه‌های مختلف برای سطوح متفاوت وجود بشری است. برخی از مسیحیان درس اخلاقی و وعظ بر فراز تپه را «اخلاقیات ذهن» خوانده و نادیده می‌گیرند، به این خیال باطل که ارزش اجرایی ندارد. راست است که این وعظ برای مسائلی چون تصمیم‌گیری‌های سیاسی، راه حلی ارائه نمی‌دهد. ولی در نهایت مقیاسی برای چنان مواردی نیز می‌باشد. اگر «اخلاق مسئولیت‌پذیری» ارجح انسان به تصمیماتی در جامعه منجر شود که خلاف انتظارات و وعظ فوق‌الذکر از فرد باشد، نباید فکر کرد که این خواست عیسی مسیح بوده است.

فرد مسئول خود است، و نمی‌تواند مسئول خطای دیگران باشد. در هر اختلافی، معمولاً گناه اخلاقی به هر دو طرف تعلق دارد، حتی اگر قاضی تنها یکی را مقصر برگزیند. گروهی که صاحب مقررات و طرح است، مسئول رفتار منتج از آن می‌باشد. آنها به «مجموعه اخلاقیات گروهی» خود نیاز خواهند داشت، چیزی که برخی حرفه‌ها اکنون دارا می‌باشند. بنابراین فراتر از اخلاق

فردی، «اخلاق ساختاریافته» گروه و جامعه نیز ملزم می‌باشد. قوانین و قراردادها نمی‌توانند جایگزین این موارد شوند.

ده فرمان موسی (خروج 20)	اخلاق در قرآن	صفات جهانی (به صفحه پیوندهای ما مراجعه شود)
1. من خداوند، خدای تو هستم... تو را خدایان دیگر غیر از من نباشد. (هیچگونه بتی برای خود درست نکن...)	هیچ خدایی را هم شان الله قرار ندهید (سوره 62، آیه 9*)	(این توافق بین مذاهب اشاره به مفهومی واحدی از خداوند نداشت. بعنوان مثال در رابطه با پیروان مذهب بودا، تنها «حقیقت نهایی / واقعیت نهایی» مکتوب شد، یعنی چیزی ماوراء دنیای جسمانی.)
2. از نام من که خداوند، خدای تو هستم سوءاستفاده نکن (کسی که از نام من استفاده سوء کند، بی‌گناه نخواهد بود)	هر گاه شما را به نماز جمعه (روز جمع شدن مسلمانان گرد هم) بخوانند، فی الحال به ذکر خدا بشتابید. (سوره 62، آیه 9)	
3. روز یکشنبه / سبت را به یاد داشته باش و آن را مقدس بدار.	خداوند امر کرد به والدین خود نیکی کنید...، با آنان مهربانانه و از در رفت سخن گویند... قرض خویشاوندان را بپردازید، و به نیازمندان و در راه ماندگان احسان کنید... (سوره 7، آیه 23 - 26)	
4. پدر و مادرت را احترام کن تا در سرزمینی که خداوند، خدای تو به تو خواهد بخشید، عمر طولانی داشته باشی.	و هرگز نفس محترمی را که خدا قتلش را حرام کرده نکشید مگر آنکه به حکم حق مستحق قتل شود... (سوره های 17 ، 33، و 5 آیه 32)	تعهد به فرهنگ عاری از خشونت و احترام به زندگی.
5. قتل نکن.	و هرگز به عمل زنا نزدیک نشوید. زنا کاری بسیار زشت و عملی بسیار ناپسند است. (سوره 17، آیه 32)	تعهد به فرهنگ شراکت مرد و زن (بر ضد وجه مخرب نیروی جنسی...)
6. زنا نکن**	دست زن و مرد دزد را به کیفر اعمالشان ببرید... پس هر که پس از ستمی که کرده توبه نمود و کار خود را اصلاح کرد از آن پس خداوند او را خواهد بخشید که خدا بخشنده و مهربان است. (سوره 5، آیه 38-41)	تعهد به فرهنگ اتحاد و همکاری، و اقتصاد مبنی بر عدالت... رجوع به مورد فوق: اتحاد و همکاری
7. دزدی نکن	ای اهل ایمان، نگهدار عدالت باشید و برای خدا گواهی دهید هر چند برضد خود یا پدر و مادر یا خویشان شما باشد... (سوره 4، آیه 135). (در باب خیانت به سوره 2، آیه 188 مراجعه نمایید)	تعهد به فرهنگ بردباری و سعه نظر، و زندگی صادقانه
8. بر علیه همسایه خود شهادت دروغین نده		
9. چشم طمع به خانه همسایه خود نداشته باش.		
10. به فکر تصاحب همسر، غلام و کنیز، گاو و الاغ، و اموال همسایهات نباش.		

* از ترجمه آلمانی قرآن توسط رودی پارت، همراه با شماره گذاری مصری آن که در اکثر کشورهای اسلامی به آن استناد می‌شود، در این مقاله استفاده شده است. سایر مترجمان ممکن است شماره های متفاوتی به آیات داده باشند، بنابراین می‌توان مطالب نام برده شده را قبل یا بعد از شماره آیه در همان سوره یافت.

** خصوصاً در این مورد، مذاهب مختلف جزئیات متفاوتی افزوده‌اند. این امر در درک این مطلب کمک می‌کند که تمام جزئیات مربوطه الزاماً برای همگان خوب و مناسب نیست. علاوه بر آن - به منظور عصر حاضر - همیشه تمایز کافی بین اصول مذهبی واقعی و قوانین جزئی غیردینی (سکولار) وجود نداشته است؛ ولی این بدان معنی نیست که ایمان و قانون دارای موارد تناقض عمده باشند.

نگارش مسائل و مشکلات شخصیت فرد و خصوصیات مثبت وی مفید است، چراکه کنترل هوشیارانه را جهت پیشرفت نفس امکان‌پذیر می‌نماید. تلاش در این جهت به چند شکل ممکن است:

1. مسائل مشکل‌ساز زندگی را مستقیماً هدف قرار دادن. قصد نیک. مسیح نیز مردم را هدایت می‌کند که اول ایرادهای خود را مورد نظر قرار دهند (متی 7، 5-1). در اسلام نیز به این امر «جهاد اکبر» گفته می‌شود که از هر جهاد و مبارزه خارجی دشوارتر و مهم‌تر است. بسیاری از موارد اختلاف از این شیوه قابل حل می‌باشند.
2. اصلاح و جبران مستقیم با 3. بخشش مستقیم یکدیگر، تا حد امکان. در غیر اینصورت، دعا کرده و بدین شکل مسئله را به خدا سپرده تا بیشتر حل شود؛ و در نفس خود بخشش کند. مسیح از «پرداخت تا دینار آخر» نیز سخن می‌گوید (لوقا 12، 59؛ ولی به مورد 5 زیر رجوع شود).
4. اگر راه دیگری نباشد، فرد می‌تواند به جای کسی که آسیب رسانده، به دیگران نیکی کند. خداوند بسیاری را پاک می‌سازد، مثلاً اگر فردی در راستای نفع عموم قدم بردارد. (مرز روانی بین پاک کردن گذشته و اعمال نیک داوطلبانه در میزان نسبی وجود دارد «هرچه بکاریم، همان را درو می‌کنیم»، بعنوان مثال یوحنا 4، 37). بنابر متی 7، 21-20 در این مورد درست است: «بلی، به اینگونه می‌توانید پیامبرین دروغین را از اعمالشان بشناسید. گمان نکنید هرکه خود را مومن نشان دهد، به بهشت خواهد رفت. ممکن است حتی عده‌ای مرا «خداوند» خطاب کنند، ولی به حضور خدا راه نیابند. فقط آنانی می‌توانند به حضور خدا برسند که اراده پدر آسمانی مرا بجا آورند.»
5. «با نام من به خدا دعا کنید»، بخشش و رحم او را جهت ادامه رشد زندگی خود خواهان شوید. این امر کمک قابل ملاحظه‌ای است که از اخلاق انسانی مطلق قابل حصول نیست. سرنوشت دیگر مفهومی جسمی تلقی نشده، بلکه توسط خداوند هدایت می‌گردد؛ همه چیز به شکلی طرح و خلق شده که با حکمت اعلی الهی برای خود و دیگران بهتر باشد.

(...)

راه عیسی مسیح

دیدگاه‌های عمومی مسیحیان در خصوص مسائل اجتماعی و اقتصادی

آخرین تحقیقات اقتصادی* نیز نشان می‌دهد که برخلاف پیش‌فرض تئوری اقتصادی لیبرال‌ها که تا به امروز رایج بوده است، انسان آن موجود خودپرست و خودخواه تام نیست. تنها اقلیت افراد صرفاً به خاطر منافع خود عکس‌العمل نشان می‌دهند. برای اکثر افراد، ارزشهایی دیگر چون «همکاری اختیاری متقابل» به همان اندازه یا بیشتر اهمیت داشته است. ولیکن همچون خودخواهی، اینگونه «بشردوستی متقابل» نیز بطور خودکار منجر به برتری کل جامعه نشده، و فقط گروه‌های خوبی بوجود می‌آورد. بنابر این تنها تصمیمات هوشیارانه و متعاقباً اخلاقی ما را یاری می‌دهد.

دیدگاه‌های روانشناسی و مذهبی-اخلاقی در اینجا وارد قضیه می‌شود. آدمی بغیر از طبیعت انفرادی، دارای یک طبیعت اجتماعی نیز می‌باشد. اعتماد به نفس خوب – ولی بدون اغراق – و احساس همبستگی با دیگران قابل تعلیم بوده و بشر استعداد فراگیری آن را دارد. در مواردی که تنها جنبه خودخواه فرد مشاهده می‌گردد، جنبه بشردوست آشکار نشده یا توسط «تربیت» سخت جامعه غرب تضعیف گشته است. جوامع سوسیالیست بطور یکجانبه بر همبستگی تاکید نموده و جنبه انفرادی و آزادی‌خواهی متعلق به آن غالباً تضعیف می‌گشت – و بنابر این چنین جوامعی نیز پاسخگوی طبیعت آدمی نبودند. در شرایطی که افراد شرایط متعادل و متوازی نیابند، زود یا دیر با انتقاد عکس‌العمل نشان می‌دهند (و موارد مشابه). جامعه یا با گذشت زمان آموخته، و یا رو به انحطاط می‌رود. این امر در مورد اقتصاد حکمفرمای امروز، و کارگردانان جهانی آن نیز صادق است. توصیه عیسی مسیح بر تقدم رفع مسائل و اشکالات نفس است (متی 7).

از رویی ترجمان مستقیم معیار کلی ارزشهای و عظم بر فراز تپه (متی 7-5) و نظیر آن به فرمان‌هایی جهت برخورد با مشکلات در جامعه امکان‌پذیر نیست. ولی از طرفی دیگر، صدقه‌دهی در زندگی خصوصی و بکارگیری اصول عکس آن در اجتماع یا مواضع سیاسی نیز خلاف راه مسیح است. بهای ارزشهای اخلاقی راستین** باید در تمام سطوح، حتی در سطح جهانی ثابت شود.

بعنوان مثال، بدون شک ارزش خیرات و روی‌آوری مسیح به فقرا – فرای خدمات اجتماعی کلیساها – جهت امور اجتماعی امروزه نیز صدق کرده و این موضوع شامل رفتار انسان در اجتماع نیز می‌باشد. ضمناً متی 22، 14 / مرقس 12:17 از جوانب عملی این امر سخن می‌گوید: خیریه و همچنین «عشر» توسط عیسی مسیح به رسمیت شناخته شده، که – علاوه بر مالیات رومی‌ها – بخشش 10 درصد درآمد جهت اهداف مذهبی و سخی است.

اما، به گفته عیسی مسیح، مفید بودن بر اراده آزاد بنا می‌شود. غیرممکن است بتوان مفاهیم توزیع مجدد اجباری مالکیت را از آن استنتاج کرد. احکام نهم و دهم هنوز هم معتبر هستند: "نباید به ... آنچه متعلق به همسایه است طمع کنید." "علیرغم تمام تلاش‌های مان برای دستیابی به یک وضعیت اجتماعی پیشرفته برای بسیاری از مردم، سرنوشت‌های گوناگون ما باز هم در دستن خداوند باقی می‌ماند."

مثل متی 25، 30-14 / لوقا 19 از وقایع مادی شناخته شده سخن می‌گوید. ولیکن مضمون متن (لوقا): رفتار اخلاقی یک مامور وصول مالیات؛ متی: مثل پیشین در مورد قدرت ایمان باکره‌ها) نشان می‌دهد که معنای متن فراتر از افزودن به مال و منال

دنیوی است. بعنوان مثال، لوقا 12، 33 با وضوح بیشتری نشان می‌دهد که ثروت معنوی پرارزش‌تر از اندوخته دنیوی محسوب می‌گردد. ولیکن حفظ امانت بطور جامع ارزشهای مادی را نیز در برمی‌گیرد. بعنوان مثال نصیحت بر کمک به فقراء و ناتوانان: در اینجا پشتیبانی مادی یا مالی ارزشی مقبول است، و مادیات بطور کل نفی نمی‌گردد. مسئله اصلی این است که آیا اموال یا ثروت «هدف نهایی» بوده یا برای اهداف منطقی صرف می‌گردد - متی 6، 24 متذکر می‌شود که عبادت هر دو خدای پروردگار و «خدای ثروت» غیرممکن است.

و بعنوان مثال، دروغ‌گویی و تقلب، «دسته‌بندی» (تشکیل گروه و راه ندادن دیگران)؛ و اجرای پروژه بدون اطمینان از بی‌ضرری آن برای مردم (بی‌گناه)، و بدون پرسش از طرفین مربوطه، آن وحدت مسئولانه‌ای نیست که عیسی مسیح همواره نمایش داده است. ضمناً مسیح «نیازهای ذاتی» را بعنوان بهانه‌ای برای هرگونه شکست ابراز نمی‌دارد. آنچه که مهم است، انصاف و عدالت می‌باشد.

منع نزول خواری از اسلام آمده است. ولی یهودیان و مسیحیان نیز توصیه‌های مشابهی در انجیل می‌یابند: حزقیان نبی 9-18:8: پروردگار مقتدر می‌فرماید، او که تنزیل خواری نکرده یا بهره (مفرد) نگیرد؛ از ستم دوری کند و در مورد دیگران درست و بدون غرض قضاوت کند؛ و خلاصه تمام دستورات و قوانین مرا رعایت کند، چنین شخصی درستکار و نیکوکردار است و به یقین زنده خواهد ماند. به عزرا 7:24 نیز رجوع کنید (معافیت برخی مشاغل از بهره، مالیات و عوارض)؛ ولیکن امثال 28:8 نیز ممکن است همین موضوع را مورد خطاب داده، و نحوه نهایی استفاده از پول حاصل از بهره را بیان کند. به متی 23:23 و 17:24 نیز رجوع کنید.

انجیل پیشنهاد می‌کند از بدهی‌های غیر لازم پرهیز کنید (گفتار حکیمانه 22:7)، و برنامه ریزی آینده نگر را (گفتار حکیمانه 21:5)، و نیز رشد عقلانیت و دانش را همواره توصیه می‌کند (مثلاً گفتار حکیمانه 4:5-8). مردم می‌خواستند کالاها یا پول را پس انداز کنند؛ "عشریه" مورد اشاره با هر سال پس انداز شود تا بتوان در جشن‌ها و ضیافت‌ها شرکت جست و عطیه داد (سفر تثبیه 22:14-27). پل مقدس از مسیحیان درخواست کرد هر هفته چیزی را پس انداز کنند، تا در صورت لزوم به مسیحیان مستمند بدهند (1 Cor. 16:1, 2) و پیشنهاد می‌کند نسبت به کالاها دنیوی نگرشی میانه رو داشته باشیم (1 Tim. 6:8). عیسی مسیح انتظار دارد، که شخص باید محاسبه کند، اگر پول کافی وجود دارد، پیش از آنکه مثلاً یک پروژه ساختمانی آغاز شود. (Luke 14:28) امروزه اقتصاد پایدار در گرو درمان و پیشگیری است: بدهی بیش از حد خصوصی، تجاری و عمومی علت بی‌ثباتی مالی جهانی است. وبسایت "راه عیسی مسیح" دارای هیچ نوع مقاصد سیاسی نیست، بنابراین فقط نظرات کلی ارائه می‌شود.

* (Ernst Fehr "Institut für Empirische Wirtschaftsforschung" دانشگاه زوریخ سوئیس، طبق مصاحبه انجام شده در "Spektrum der Wissenschaft" مارس 2002، "Reziproker Altruismus...")

** (جوانب معنوی این ارزشها در فصل مربوطه به و عطر بر فراز تپه که به زبان‌های دیگر نیز ارائه می‌کنیم، شرح داده شده.

*** (به برگ اضافی «اصول ارزشهای اخلاقی» ما نیز رجوع کنید.

علوم (طبیعی) و اعتقاد به پروردگار.

عیسی پذیرفت که جهت پاسخگویی به سوالات مربوط به ایمان، باید برخی افراد نظارت، شمارش، اندازه‌گیری و سنجش کنند، مثل مورد Thomas، که بین حواریون نمونه افراد «دانشمند» است (...). زمانی که او فرصت پیدا کرد تا با آزمایش از وجود و حضور عیسی مسیح در مقابل خود مطمئن شود، عیسی گفت: «ناباور نباش، ایمان داشته باش». این بدان معنی بود که Thomas باید با تفکری عمیق و صادقانه تجربه اخیر خود را بکار برد، تا ریشه شک وی محو گشته و حقیقت بر او طلوع کند. لزوم بیان این سخن توسط مسیح به این معنی نیست که Thomas شکاک بوده، اکنون مورد «اصابت» این واقعیت خارجی قرار گرفته و یا حتی از روی ترس مجازات، «و ادوار به ایمان آوردن» شده باشد. بلکه معنی آن این است که Thomas توان کسب اعتقاداتی جدید بطور مستقل را داشت. (...) علیرغم آن، هدف این بود که Thomas بیاموزد که راههای دیگری نیز بجز در نظر گرفتن حقایق فیزیکی جهت کسب اعتقاد وجود دارد. عیسی میدانست که چه چیزی برای Thomas مناسب است. او نمیخواست کسی را وادار کند. اجبار، شبیه به عمل دادگاه بود و البته هدف تحریک کسی بر رد مسئله قبل از اطمینان در مورد آن نیست.

اگر علمی تجاری مکرر را به دلیل عدم تطابق با تئوریهای خود نادیده گیرد، مستحق نام علم نیست. نابغه واقعی (...) «اداره دانش» نمیکند، بلکه با سوالاتی گشوده آغاز میکند. این راه کاوش نیز میتواند یکی از روشهای متعدد دستیابی به ایمان باشد، به شرط اینکه هدف جوینده صادق بوده و علم مربوطه آلوده به منافع اقتصادی یا مشکلساز دیگر نباشد.

در بررسی حواریون و مسئله مذهب، کار ظاهری و خارجی دانشمندان - مشاهدات، فرضیه، تئوری و تائید آنها - بعنوان تنها

راه کاوش کافی نیست. (...) ولیکن علائم بسیاری از وجود «لایه‌های» متعدد در انسان و ورای آن وجود دارد، که منشاء آن طیف شناخته شده ماده و انرژی نیست، ولی در اثر و واکنش ماده و انرژی ظاهر میگردد. انرژی زندگی، فعالیت‌های روان / عقل و آگاهی... (...) روش‌های علمی نوین چون فیزیک ذرات و زیست‌شناسی ذرات، آستروفیزیک نو و بالاخره طرح یک «پارادایم» (مثالی از کتاب مقدس) جدید یا دیدگاهی جهانی، نمایلاتی همسو دارند (...).

این روند شکست آرام دیدگاه قدیمی از جهان بود، که بر اساس مواد جامد و فرایندهای مکانیکی شکل گرفته بود. چه کسی یا چیزی بطور مداوم ماده و انرژی جدید خلق نموده و دوباره محو میکند؟ چه کسی یا چیزی دائماً فرای زمان و فضا سیر میکند؟ آیا بشر و هوشیاری او واقعاً تصویر متولد واحد – پروردگار – است (مقایسه با 1, 26 کتاب پیدایش)؟

این دنیا، موجودات زنده، و ذرات – علیرغم مقداری بینظمی – نظم بسیار زیادی از خود نشان داده و عزم و هدفی آنچنان زیاد دارند که نمیتواند تصادفی باشد. فلذا این سوال پیش می‌آید که شاید کل این جهان یک شاهکار هنری بوده و صرفاً نتیجه یک تصادف ساده نباشد. و از اینرو است که از دیدگاه علمی نیز ناباوری سختتر و سختتر میگردد. (...)

چنین بینشی دانشمندان ناباوری چون Max Thürkauf، Georg Todoroff، و دیگران را به ایمان سوق داده است. (...)

جهت کسب اطلاعات جزئی بیشتر به نسخه انگلیسی متن رجوع کنید

صفحه اضافی:

اطلاعات: دین زرتشت (مذهب پارسی)

صفحات اطلاعاتی مذاهب دیگر جهت ارائه درکی بهتر و تسهیل گفتگوی بین ادیان است. در مسیحیت، اصل بر تحقیق مستقل بوده، که شامل نگاهی عمیق بر مسیر معنوی و روحانی است. دین قدیمی فارسی زرتشت بطور کامل شرح داده نشده، ولی برخی از نظرات آن ارائه شده، که بدین منظر حائز اهمیت است.

زرتشت.

امروزه پارسی‌ها با پیروی از کتاب مقدس خود، کتاب فلسفه اوستا، تعلیمات اصیل زرتشتی را دنبال می‌کنند. محققین این مذهب در هند کشف کردند که زرتشت (اول) هزاران سال قبل از تولد مسیح زندگی می‌کرد – بنابراین هر دوت، تاریخ‌شناس قدیمی یونانی درست می‌گفت. (...)

زرتشت تخلیص معنوی و برخوردی مثبت در رابطه با زندگی فیزیکی را ترکیب کرده (..). ضمناً مشخص شد که این دین فقط با تضاد نور و تاریکی سر و کار نداشته (...). ولی پروردگار واحد شخص، که در این مورد اهورا مزدا نام دارد، فرای نیروهای دنیوی قرار داشت. زرتشتیان از اهورا مزدا از طریق فرشتگان کمک می‌طلبند، بنابر این وجود این موجودات به معنای عدم اعتقاد به خدای واحد نیست. (...)

درسی جهت کاوش معنوی در ارتباط با این دین: *Mazdayasnie Monasterie*

<http://www.indiayellowpages.com/zoroastrian>؛ mazocol@hotmail.com. (...)

البته اکثر پیروان این مذهب نیز بخش عمده «عمق» معنوی خود را از دست داده، که باید امروزه دوباره کشف شود – همانند سایر ادیان. (...)

بسیاری از خداشناسان ایران، پارسی‌ها را همچون یهودیان و مسیحیان بعنوان «پیروان کتاب» می‌شناسند؛ یعنی آنها را «بی‌دین» نمی‌دانند، بلکه آنها را مردمی معتقد به همان پروردگار دانسته، که اغلب توسط پیامبران خود در مورد خدا یادآوری می‌شوند. (...)

به نظر ما اینطور می‌رسد که این مذهب باستانی زرتشت حداقل در برخی از موارد با اعتقادات اولیه به خدای واحد، یعنی اعتقاد نوح در آن فرهنگ منحنط که طوفان را پشت سر گذاشت، مشترک‌النظر است. (...)

ضمناً طبق چندین دیدگاه، «3 مرد عاقل شرق» یا "3 magi"، که عیسی را در بچگی پیدا کرده و ستودند، زرتشتی بودند. (...)

کتاب اصل زرتشت، فلسفه اوستا، عمدتاً مفقود به شمار می‌آید. در قرن سوم و چهارم میلاد مسیح، بخش‌های شناسایی شده از این کتاب تحت 21 جلد جمع‌آوری شد. برخی از قسمتهای آن دوباره مفقود شده است. برخی از مهمترین بخش‌های آن برای پارسی‌ها شامل "gathas 5" است (T. R. Sethna، هند، «خرده اوستا» با ترجمه انگلیسی) است، که به زبان ایرانی قدیم بازگو شد. (...)

راه عیسی مسیح

<http://www.ways-of-christ.com/fa/>

مهر: امتیاز تجاری

چاپ مطالب این سایت و ارائه آن به افراد علاقه‌مند بدون تغییر محتویات آزاد می‌باشد.

تهیه در سال 1991-2009؛ اولین نوبت نشر در اینترنت در تاریخ 2001-01-31 بود؛ این نسخه یک نسخه خلاصه ویژه به زبان فارسی است... فارسی (با تغییرات بعدی)

نویسنده: Project Christuswege/ Ways of Christ™

ناشر نسخه اینترنت Helmut Ziegler است.

سایت «راه عیسی مسیح» یک پروژه تحقیقاتی و مطالعاتی است. سایت وب «راه عیسی مسیح» حامی روابط صلح‌آمیز و درک عمیق‌تر بین ادیان است. «راه عیسی مسیح» مستقل از کلیه کلیساها و سازمانهای مذهبی دیگر بوده (ولی بر ضد هیچیک فعالیت نمی‌کند)؛ و در پی نفع یا نفوذ سیاسی نیز نمی‌باشد. «راه عیسی مسیح» مبلغ مذهبی نداشته و از اعضای خود حمایت سیاسی نمی‌کند.

ارسال پست الکترونیک به (راه مسیح): لطفاً در صورت امکان به زمان انگلیسی، آلمانی یا فرانسوی بنویسید
e-mail ways-of-christ.com

نسخه چاپی متن اصلی فقط به زبان آلمانی موجود است – به مرجع آلمانی مراجعه کنید. امتیاز تجاری کتابچه چاپی مذکور متعلق به ناشر آن، O. Boehm می‌باشد.